

دیدن تصویر و شرکت در فرایند سازمان‌دهی آن، عملی خلاق است. میان ساده‌ترین شکل‌های یک تصویر و وحدت بصری جای گرفته در آن، رابطه‌ای مشترک و بده و بستانی چند سویه برقرار است. هر تجربه‌ای که از دیدن به دست می‌آید، نتیجه‌ی تعاملی پویا میان عناصر بصری محدود شده در یک قاب است. اما آنچه که شخص در نهایت درک می‌کند، حاصل یک رشته کنش و واکنش میان نیروهای درونی تصویر و نیروهای درونی بیننده است. بیرونی را در تناسب با خود، تغییر شکل و سپس نظم می‌دهد و از تصویر، درکی منحصر به خود پیدا می‌کند که در مجموعه‌ای از تجارب افراد جامعه می‌تواند درکی عمومی و متناسب با خرد جمعی آن جامعه قلمداد شود.

پس تجربه‌ی دیدن، چیزی بیش از یک تجربه‌ی ساده‌ی احساسی است. مغز انسان پر از تجربه‌ها و خاطره‌هایی است که در آن حک و طبقه‌بندی شده‌اند. هر تجربه‌ای از دیدن، خاطره‌ها و رویدادهایی را دوباره در ذهن بیدار می‌کند و در نهایت، روابط عاطفی و آگاهانه میان اثر و مخاطب اثر می‌آفریند. هر تجربه‌ی موفقی در درک بصری، نقطه‌ی عزیمتی نو برای رشد و تجربه‌ی بعدی می‌آفریند. با چنین ویژگی‌هایی، هنرمند را باید بیش از هر چیز، کسی دانست که انبان پُری از تجربه‌های موفقی بصری دارد. آنچه دیده می‌شود با آنچه می‌بینیم متفاوت است. در چنین حالتی، چشم دیگر ابزاری برای نگرستن نیست، بلکه کارگاه تجربه است. می‌بیند، می‌شنود، حس می‌کند و می‌اندیشد. پرورش آگاهی، شعور دیدن را

پرورش می‌دهد. به این ترتیب می‌توان گفت، دیدن نتیجه‌ای از اندیشیدن و آگاهی است. البته بهتر دیدن، تنها وظیفه‌ی یک طراح نیست. اما پایه و اساس تمام تجربیات بصری و کلید اصلی دروازه‌ی خلاقیت است.

دیدن و بهتر دیدن، تجربه‌ای است که باید در آن ورزیده شد. در طول دوران تحصیل، تمرینات متعددی برای هنرجویان طراحی و پیشنهاد می‌شود. فرصت‌هایی را که این تمرینات در اختیار هنرجویان قرار می‌دهند، می‌توان مانند میدان مسابقه‌ای فرض کرد که در آن، هرکس بیشترین تجربه را کسب کند، موفق‌تر است.

شاید شما هم روایت دو مرد مسافری را که در مسیر رسیدن به شهری با یکدیگر همراه شدند، به یاد داشته باشید. یکی از آن دو در راه



دیدن را تجربه کنیم



▲ فرم دست در طراحی آدم با نشانه با استفاده از خطوط محیطی، سیلوئت، بافت و یا اثر دست ▼

گسترده‌تر دیدن نیست. دیدن زوایا و وجوهی از یک شیء ثابت و ساده که در برخورد های اولیه به ذهن خطور نمی‌کند، طراح را از ساده‌اندیشی و سطحی نگری می‌رهاند و به تجربیات بصری او عمق و هویتی ویژه می‌بخشد.

در مرحله‌ی بعد تبادل تجربیات در فضای کلاس وجوه دیگری را در ذهن هنرجویان از همان موضوع ثابت روشن می‌کند و ذهن و چشم آن‌ها را به رقابتی پویا و اثرگذار فرامی‌خواند. پویایی ذهن‌های جوان، فضایی را که در یک کلاس هنری ایجاد می‌کند که از آن انتظار می‌رود.

### ◆ تمرینی برای دیدن و اندیشیدن

برای درک بهتر موضوع، به حرکت بر اساس یک تمرین مثالی نیازمندیم. به همین منظور و فقط به عنوان نمونه، سراغ فرم بسیار آشنا و در دست‌رس «دست» رفته‌ایم. این فرم می‌تواند مثال جامعی برای اندیشه‌ورزی پرامون یک فرم خاص و ثابت در اختیار ما بگذارد. شما می‌توانید هر سوژه‌ی مناسب دیگری نظیر صندلی، کیف، سنجاق، چشم و... را در بوته‌ی این آزمایش قرار دهید و نتایج شگفت‌انگیز آن را ببیند.

بدیهی است که جلسات اول این تمرین فقط به گردآوری اطلاعات، تصویرها و یا عکس‌هایی که توسط هنرجویان تهیه می‌شوند، خواهد گذشت. با پیشرفت کلاس می‌توان به یک طبقه‌بندی ابتدایی با همکاری هنرجویان رسید و سپس برای یافتن نمونه‌هایی از دسته‌بندی‌های کشف شده، اقدام کرد. بنابراین نمونه‌ی طبقه‌بندی ارائه شده در این جا چیزی است که انتظار می‌رود یک گروه بعد از جلسات چهارم یا پنجم به آن برسد؛

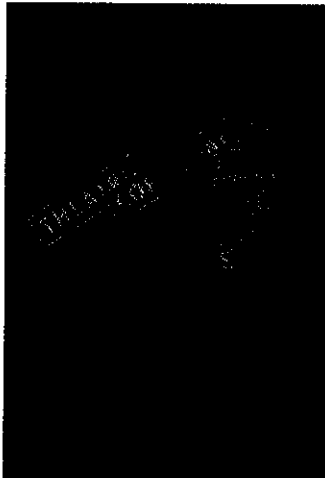
سنگ‌ریزه‌هایی را برمی‌داشت و با دقت در انبان خود جای می‌داد و دیگری هیچ نمی‌اندوخت. هنگام ورود به شهر، نگهبانان مردی را که با کیسه‌ی خالی وارد شهر شده بود، با خود بردند، اما به دیگری اجازه‌ی ورود دادند. علت را که جویا شدند، گفتند به دستور حاکم شهر، فقط کسانی حق ورود به شهر را دارند که با انبان پر وارد شوند.

حال می‌توانیم خود را در مقابل این پرسش قرار دهیم که: «چگونه انبان تجربه‌های خود و هنرجویان را پر کنیم؟» شاید بهترین راه، فرستادن اندیشه و چشم به دورترین مرزهای بصری باشد. برای شروع حرکت و ادامه در یک مسیر درست، طراحی تمرین‌های هوشمندانه، مهم‌ترین نقطه‌ی آغاز سفر است؛ آغازی هوشمندانه و حرکتی حساب شده. در کلاس‌های عکاسی، گرافیک و یا طراحی، ما از هنرجویان خود می‌خواهیم که فقط شیء یا موضوع خاصی را طراحی و یا عکاسی کنند. مسلماً طرح‌ها و یا عکس‌های اولیه، ابتدایی‌ترین شکل‌هایی هستند که به ذهن هرکس ممکن است برسد. اما وظیفه‌ی معلم هنر، پرورش توانایی‌هایی است که ذهن و چشم هنرجو را ورزیده می‌کنند؛ ورزیده‌تر از ذهن و چشمی که جست‌وجو نمی‌کند.

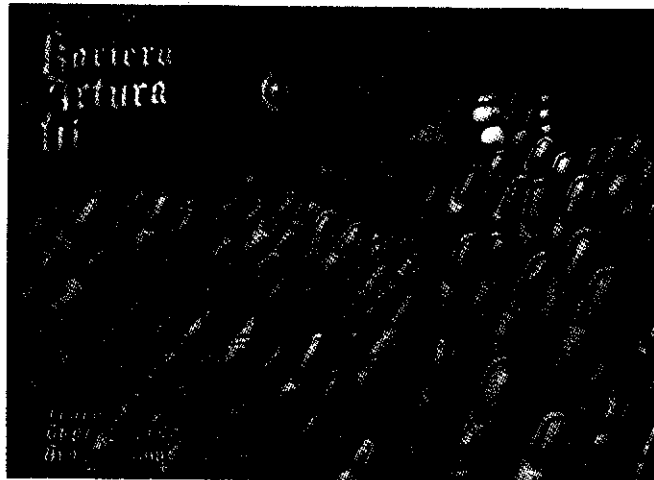
تکرار موضوع تمرین در جلسات بعدی، فرصت جست‌وجوی دوباره‌ای را برای ذهن و چشم فراهم می‌کند. مسلماً در جلسات بعدی، هنرجویان به دنبال یافتن راهی برای متفاوت بودن خواهند بود. تفاوتی که در آثارشان، پس از چندی هويت خاص آن‌ها را به وجود می‌آورد. برای متفاوت بودن چاره‌ای جز بهتر و

فرم دست در طراحی بوستر با  
استفاده از اجزا دست  
خطوط محیطی، سیلوئت،  
بافت، سایه و با اثر دست

لوژی، آلن - تاتو کیوتوآکی



لوژی، ویسوسکی - شیل آیزور اوی



صاحب خود نیز هست. مردم در هر گوشه از جهان به کاری مشغول هستند. به چیزی می‌اندیشند و خصوصیات رفتاری و شخصیتی منحصر به فردشان را دارند. چنین تعددی، تنوع فرجی فوق العاده‌ای را پیش چشم می‌گسترده. اگر این تنوع شخصیت دست‌ها را در تنوع دید طراحان ضرب کنیم، میدان عمل بسیار گسترده‌ای در پیش چشم خواهیم داشت؛ ادعایی که تنوع شکل حضور این فرم در آثار گوناگون هنری آن را ثابت می‌کند.

نه آن‌چه که از ابتدا توسط معلم دیکته شود.

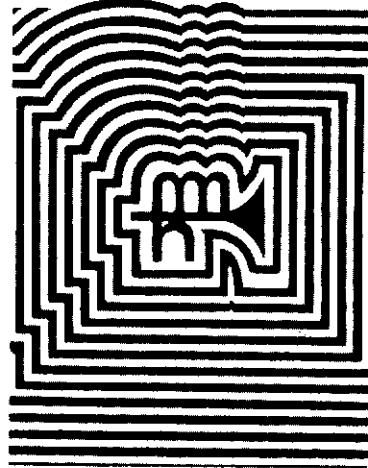
○○○

«دست»، ویژگی‌ها و خصوصیات بی‌بدیلی با خود به همراه دارد. قابلیت حرکت و انعطاف فوق العاده‌اش، ابعاد تازه‌ای از میدان دید را پیش چشم قرار می‌دهد. دست از یک فرم گرد در خود فرو رونده، به ترکیبی از خطوط و اشکال فعال تبدیل می‌شود. از کثرت به وحدت و از وحدت به کثرت می‌رسد. دست تنها یک سطح دو بعدی بدون حجم نیست. بلکه متحرکی سه بعدی، پرتوان و مرکب است که فرم و ساختمان هر جزء آن با یکدیگر در ارتباط هستند. این خصوصیات از دست‌ها عناصر پُرگو و در عین حال خاموش ساخته‌اند.

دست‌ها در عین حال که ممکن است مرموز به نظر برسند، بیانگر هم هستند و می‌توانند خواص دراماتیک و پارومانتیک پیدا کنند. از این رو قادرند، در بسیاری از زمینه‌های بیانی و ارتباطات انسانی، به تنهایی و به عنوان یگانه گوینده‌ی میدان و بی‌نیاز از هر توضیح اضافه، عمل کنند.

دست به نوعی معرف شخصیت

MAOYAR HIRD



وبند آموزش

شماره ۱  
دوره ۱ چشم  
پایه ۸۷

۳۲



## الف) گرافیک دست

۱. نسبت‌ها و اندازه‌های دست: اندازه‌های استاندارد برای دست وجود دارد که در یک بازه‌ی معین تعریف می‌شود. این تناسب‌های اولیه، همان چیزی است که در اولین برخورد با واژه‌ی «دست» به ذهن متبادر می‌شود. تغییر و اغراق در این تناسب‌های متعارف، بیان و ویژگی خاصی به تصویر «دست» می‌بخشد که بنا به ایده‌ی طراح، کاربردی مفهومی پیدا می‌کند.

۲. خطوط محیطی: جست‌وجو در خطوط محیطی فرم دست را می‌توان از یک بازی ابتدایی کودکانه آغاز کرد. اما تغییر در لحن بیان خطوط و هم‌چنین تغییر در فرم اولیه‌ی دست، بار معنایی دیگری را با خود به همراه می‌آورد.

۳. خطوط دست: خطوط کف دست و یا چین و چروک‌های روی دست هر کدام بیانگر کیفیاتی هستند که بارها در آثار هنرمندان طراح و عکاس از آن‌ها استفاده شده است.

۴. حرکت دست: دست یکی از پرتحرک‌ترین اعضای بدن است. هیچ

یک از دیگر اجزای بدن توانایی انجام کارهایی را که دست به تنهایی انجام می‌دهد، ندارند. حرکات دست در همه‌ی فعالیت‌ها حتی سخن‌گفتن و یا عبادت کردن دیده می‌شود. پیدا کردن تصویرها و یا عکاسی از همه‌ی حرکات محتمل یک دست، طیف بسیار گسترده‌ای از معانی مستتر را کشف و تولید می‌کند. این ویژگی و کار روی آن به تنهایی می‌تواند موضوع یک جلسه‌ی کلاسی باشد.

۵. اجزای دست: جدا از دیدن دست به طور کلی، هر یک از اجزای دست نیز به تنهایی می‌تواند موضوع جست‌وجوی گسترده‌ای باشد. دور و نزدیک شدن چشم بیننده و یا لنز دوربین به هر کدام از این بخش‌ها، نوع نگاه به سوژه را سبب می‌شود.

۶. اثر دست: یکی از ابتدایی‌ترین تصویرهایی که بشر شناخته، تصویری از اثر دست خودش بوده است. اثر یک دست خونین بر دیوار در جریان انقلاب، عملکرد یک پوستر سیاسی مؤثر را داشت. اثر انگشتان نیز نمادی است که چه به تنهایی و چه در یک مجموعه، بارها

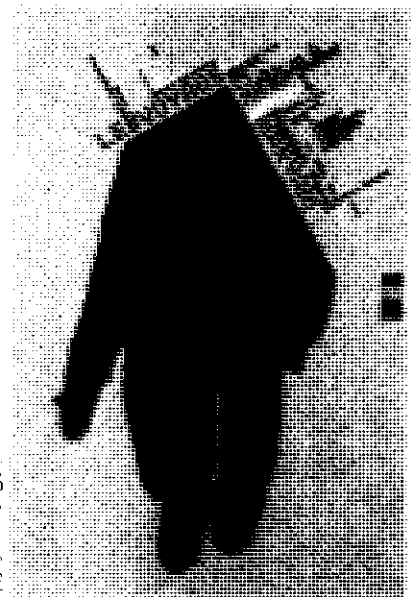
دیده شده است.

۷. سایه‌ی دست: وقتی تصویری از سایه‌ی یک دست می‌بینیم، در ناخودآگاه ذهن، وجود عینی یا ذهنی صاحب دست را درمی‌یابیم. این ویژگی باعث شده است که چه در هنرهای تجسمی و چه در هنرهای نمایشی، از سایه‌ی دست‌ها بیشتر استفاده شود. عکاسی از سایه‌ی دست یا دست‌ها در نورهای متفاوت، تمرینی شوق‌انگیز برای هنرجویان است.

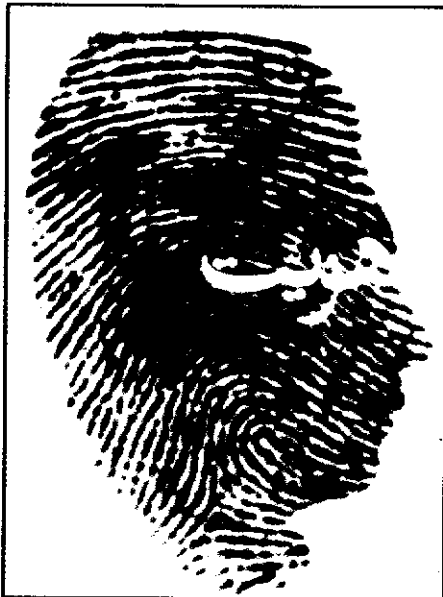
## ب) تنوع زیست‌شناختی دست

دست از دو جنبه‌ی فیزیولوژیک و روان‌شناختی قابل بررسی است. با نگاه کردن به دست‌ها می‌توان خصوصیات بسیاری در مورد صاحب آن‌ها حدس زد. این ویژگی، بیانی ویژه به دست می‌بخشد. از لحاظ فیزیولوژیک، سه شاخص تفکیک‌کننده می‌توان برای دست‌ها یافت: نژاد، جنسیت و سن.

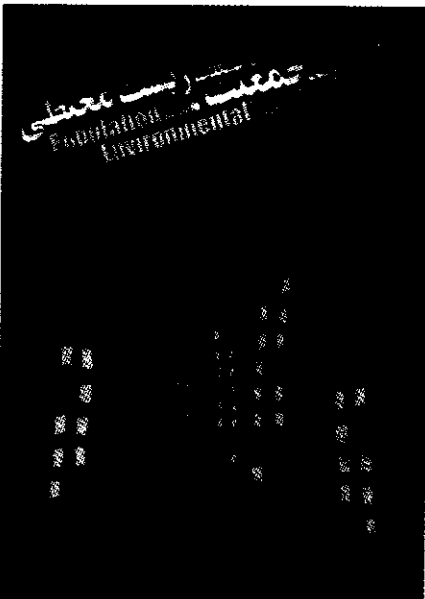
این سه شاخص تفاوت‌های اساسی در دست ایجاد می‌کنند، به طوری که می‌توان با نگاه به تصاویر



عاشق، رضا، بی‌عنوان



فانگ‌فانگ، نوید، بی‌عنوان



دست در طراحی پوستر  
ابزار بیان و احساس



اسفغان، دستبازک - سوئولکس (آلبیروس راکس)

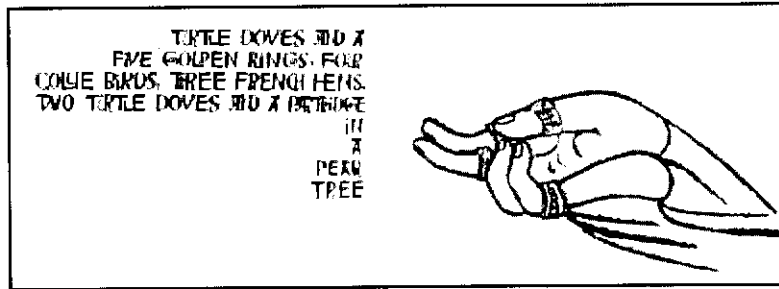
دست‌ها، نژاد، جنس و سن صاحب آن‌ها را حدس زد. این تنوع احتمالاً در تمرین‌های جلسات اولیه‌ی هنرجویان نیز قابل مشاهده است.

### ج) ساخته‌هایی برای دست

از آن‌جا که بیشترین اعمال روزمره‌ی انسان، توسط دست‌هایش انجام می‌شود، تقریباً تمام ابزارهای کاربردی، به گونه‌ای طراحی شده و می‌شوند که با خصوصیات دست هم‌خوانی ارگونومیک داشته باشند. این ساخته‌ها فراتر از ابزارهای کاربردی، زینت‌آلات و پوشش‌های متنوع را هم شامل می‌شوند.

۱. زینت‌آلات: زینت‌آلات

▼ استفاده از حرکت آیینی دست  
در صفحه آرای و طراحی پوستر



دست، محدوده‌ی وسیعی از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین فرم‌ها را تجسم می‌بخشد که با استفاده از مواد گوناگون از دوران باستان تاکنون طراحی شده و می‌شوند و به فراخور پیدایش، واجد طبقه‌بندی ارزش خاص آن دوره نیز هستند.

جدا از این موضوع، برخی از این اشیاء حامل پیام‌هایی برای بیننده‌اند و ارزش معنوی خاص خودشان را به تصویر می‌بخشد؛ مانند حلقه‌ی ازدواج و یا انگشتر عقیق و یا انگشترهایی که به عنوان مهر از آن‌ها استفاده می‌شود.

۲. پوشش: برای دست

پوشش‌های متنوعی با ابعاد، اندازه‌ها، رنگ‌ها، جنسیت‌ها و فرم‌های گوناگون، بسته به نوع کاربرد آن‌ها طراحی شده‌اند که از یک دستکش زینتی تا دستکش پزشکی و یا دستکش بوکس را شامل می‌شود. نکته‌ی حائز اهمیت آن است که دستکش‌ها بنا به فرم، اندازه و جنسیتشان، شخصیت‌های متفاوتی به خود می‌گیرند و خصوصیات سنی، جسمی و اخلاقی پدایمی کنند این تنوع می‌تواند در گرافیک کاربردی بسیار جالب و زیبا بیاید و جای کار بسیاری دارد.

۳. دست و ابزار: دست را در

بسیاری مواقع به همراه یک ابزار خاص دیده‌ایم. تصویر از دست و ابزاری که به دست گرفته شده است، می‌تواند حامل پیام‌های بسیاری برای بیننده باشد. ساده‌ترین آن، نشان دادن مشاغل متفاوت با تصویرهای ساده‌ای از این‌گونه است. حتماً شما هم تصویرهای ساده‌شده‌ی علائمی را که فقط شامل مثلاً دست و قلم، دست و آچار، و دست... هستند، به یاد می‌آورید.



راگ، شک، عابد

## د) رفتارها

رفتار دست برای همه آشنا و شناخته است، اما در این بحث کوشیده‌ایم با نگاه دیگری به این موضوع بپردازیم. رفتارهای دست ممکن است از اعمال روزمره تا رفتارهای آیینی و نمادین را شامل شود. دست، ابزار کار، ابزار شناخت، و ابزار بیان احساسات است.

۱. ابزار کار: در مواردی، دست به عنوان ابزار اصلی انجام کار، ایفای نقش می‌کند؛ مانند پاک کردن، له کردن، فشردن و... شاید همین نقش باعث شده است که عبارات ترکیبی بسیاری با واژه‌ی دست در ادبیات فارسی به وجود آیند؛ مانند: دست نیاز، دست تطاول، دست افشان، دستاورد، دستمایه و دستگیره.

۲. ابزار شناخت: هر انسانی، قسمت عمده‌ای از تجربیات اولیه‌ی زندگی خود را مدیون دست هایش است. دست‌ها برای شناخت جنس، بافت و ابعاد اشیا به کار می‌روند و در

استفاده از دست و ابزار طراحی پوستر



جانسون، دان - نمایشگاه تصویرسازی



فادرلیکو، جیمین - پهلوسین ساگورفا



گیتش، کارل - پوستر سیاسی

▲ استفاده از رفتار دست در طراحی پوستر

مراحل عالی تر شناخت، با اشتراک مساعی چشم و ذهن، نقش اساسی در شکل‌گیری خاطرات بصری ما بازی می‌کنند. این نوع شناخت نقش عمده‌ای در فراگیری هنرهای تجسمی دارد.

۳. ابزار بیان و احساس: بسیاری از کلمات را می‌توان در یک حرکت ساده‌ی دست خلاصه کرد؛ مانند: بایست، برو یا ساکت. نمونه‌هایی از کاربرد این گونه تصویرها را در هنر گرافیک به یاد می‌آوردید؟ یک حرکت مشابه از دست ممکن است در میان اقوام گوناگون، معانی متفاوتی را به ذهن متبادر کند.

حرکت دست در آیین‌های عبادی، مذهبی و غیرمذهبی اقوام با فرهنگ‌های متفاوت، بیسانگر ناگفته‌های بسیاری است؛ جایی که نمایش یک حرکت دست، به جای صداها کلمه و بیانه می‌نشیند. همین ویژگی، دست را در فرهنگ نمادین بسیاری از ملت‌ها وارد کرده است. این نمادها در آیین‌ها وارد می‌شوند (مانند دست حضرت ابوالفضل (ع) در مراسم عاشورا) و یا به صورت یک

حرکت سیاسی ابراز می‌شوند (مانند علامت پیروزی).

واژه‌ی دست در فرهنگ و ادبیات ایران، همان‌طور که گفته شد، نقش گسترده‌ای دارد. در ادبیات فارسی بیش از ۹۰ لغت ترکیبی با واژه‌ی دست وجود دارد؛ از جمله نام‌هایی نظیر دستبرد، دست‌پخت و دست‌پیچ، صفت‌هایی مانند دستپاچه، یکدست و شوم‌دست، یا افعالی نظیر: دست‌ازجان‌شستن، دست‌به‌یکی‌کردن و دست‌درازی‌کردن. توجه به دایره‌ی لغات در ادبیات و بازی تصویری با آن‌ها، برای هر هنرجوی کنجکاوی جالب است؛ به ویژه اگر علاقه‌مندی بیشتری به هنر کاریکاتور در خود ببیند.

### دست در هنرهای گوناگون

همان‌طور که گفته شد، دست می‌تواند خاصیتی بیانگر، روان‌شناختی، نمادین و حتی مرموز بیابد که بر جذابیت‌های بالقوه‌ی این فرم از دید هنرمند می‌افزاید. در همه‌ی

و پر از انرژی هایی که می توانند در هر سطح و جهتی روان شوند و با محیط و عناصر مجاور خود ارتباط برقرار کنند. دست ها می توانند از کتف، آرنج، مچ، انگشتان و بندهای انگشت حرکت کنند. هر کدام از این حرکات ها، خطوط انرژی بسیاری را در اطراف این فرم به وجود می آورند. اما جنبش های انرژی دست فقط به خود بگیرند محدود نمی شود. حتی اگر یک شکل ثابت از دست را در نظر بگیریم، عواملی مانند زاویه دید، کادر و یا تکنیک های گوناگون گرافیکی، می توانند هزاران تصویر با مفاهیم و ارزش گذاری های متنوع ایجاد کنند.

در نوع نگاه به یک فرم، عناصر متغیر بسیاری وجود دارند که به علت گستردگی بسیار این موضوع، آن را در مقاله ای جداگانه ای بررسی می کنیم. اما می توان با نگاهی خلاقانه براساس مباحث و جنبه های گوناگون نگاه به یک عنصر ثابت، تمرین های متنوعی خلق کرد و یا از ترکیب نتایج به دست آمده در چند جلسه ای تمرین، به نتایج جدیدتری رسید. ممکن است شما برای ایجاد و خلق یک طرح، ابعاد متنوعی را که فرم و محتوای آن می تواند داشته باشد، با همه ی جزئیات به خاطر نیاورید. ولی داشتن نگرشی همه جانبه و در حد امکان جامع به فرم و محتوا در خلق گرافیکی، نتیجه اش داشتن هویت و محتوایی فراتر از یک گفت و شنود ساده خواهد بود و دامنه ی مخاطبانش گسترده تر. مسلماً ابعاد نظری این بررسی ها، پشتوانه ای برای درک بهتر، دیدن برتر و ارائه ای متصفانه تر خواهد بود.

هنرها، اعم از نقاشی، مجسمه سازی، عکاسی، تئاتر (تئاتر سایه، تئاتر عروسکی و پانتومیم) و سینما، در طول تاریخ پیدایش و شکل گیری و تکوین هر یک، دست و انواع حالات و فرم های بالقوه و فرم های تجسمی آن، نقش اساسی بازی کرده است.

گرافیک در همه ی شاخه های خود به طرز خلاقانه ای از فرم دست استفاده کرده است. این موارد استفاده، غالباً پشتوانه ای در زمینه های یاد شده در این مقاله دارند. تنوع استفاده از این فرم را می توان در طراحی پوستر، جلد کتاب و مطبوعات، تصویرسازی، صفحه آرایی، طراحی بسته بندی، طراحی آرم و سربرگ، لوگو تایپ و حتی در تیزرهای تلویزیونی مشاهده کرد. دلیل این تنوع کاربرد آن است که دست علاوه بر ریشه ای که در فرهنگ ها دارد، به عنوان یک فرم، فرمی است ارگانیک

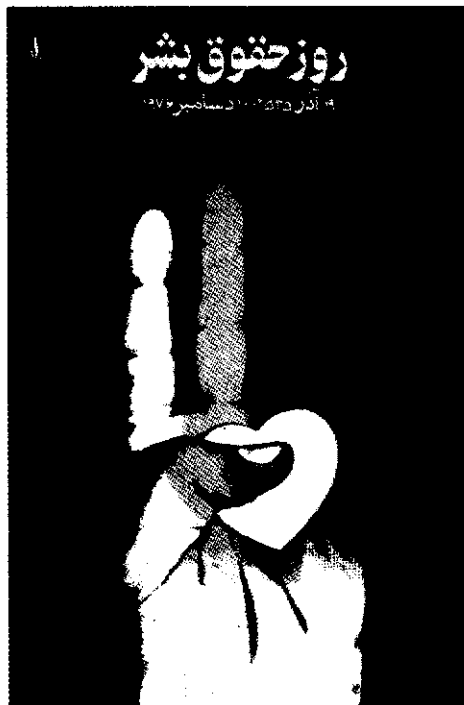
## روز جهانی ارتباطات



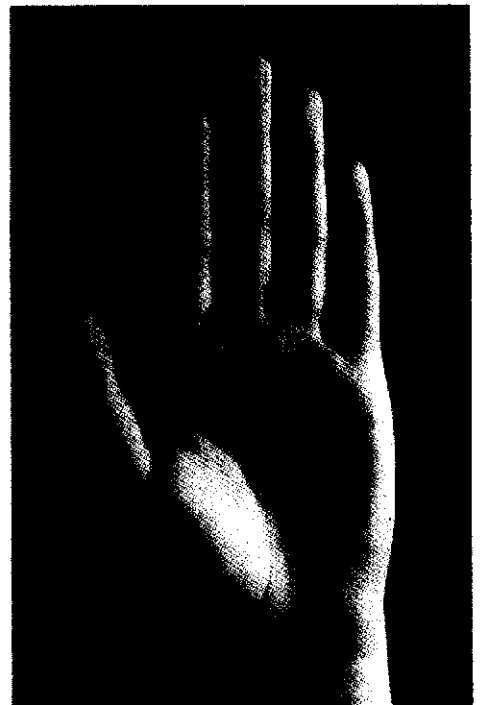
فدایان، صدف - روز جهانی ارتباطات

رشد آموزش  
 دوره ی ششم  
 پاییز ۸۷

۳۶



سبزی، مرزنی - روز حقوق بشر



گیسمار، نوماس - چهلمین سالگرد بمباران هیروشیما